



بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم

22 / مرداد / 1397

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمد و على آله الاطيبين الاطهرين المنتجبين الهداة المهديين المعصومين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید برادران عزیز، خواهران عزیز؛ از شهرهای دور، در این هوای گرم لطف کردید، امروز این حسینیه با انوار معنوی اخلاصی که در بسیاری از شما هست، نورانی شد، منور شد. از این اجتماعات، غیر از جنبه‌های مدیریتی و سیاسی و بین‌المللی، جنبه‌های معنوی هم بایستی مطالبه کرد و توقع داشت و انتظار داشت؛ در بین شما حتماً تقسهای پاکیزه، دل‌های پاک، نورانی، دعا‌های مستجاب وجود دارد؛ به اینها ما امید بسته‌ایم، امید می‌بندیم.

خب، روز اول ماه ذی‌الحجه است؛ ماه ذی‌الحجه هم ماه عجیبی است؛ ماه دعا، ماه مناجات، ماه یادآوری میقات پروردگار با پیغمبر بزرگ [است]؛ اوج این حرکت تضرع و دعا و توسل هم روز عرفه است که آنجا شاهد گفتگوی امام بزرگوار و شهیدمان با خدای متعال هستیم -دعای عرفه، با آن مضامین بلند- بعد هم روز [عید] قربان، یادآوری قربانی بزرگ، و قَدیناهُ بَذیحِ عَظیمٍ؛ (۱) بعد وارد دهه‌ی دوّم ذی‌حجه می‌شویم، دهه‌ی غدیر، ماجرای عجیبی است؛ این ماه مهمّی است؛ و مقدّمه‌ی ماه محرّم. از این فرصتها استفاده‌ی معنوی کنیم.

شماها اغلب جوانید، دل‌هایتان پاک است، روح‌هایتان صافی است، آلودگی‌هایتان نسبت به امثال ما که عمری گذرانده‌ایم، کمتر است؛ با توجه به خدای متعال «وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ»؛ (۲) فضل خدا را بخواهید در همه‌ی امورتان -در امور شخصی، در امور اجتماعی، در امور سیاسی، در امور بین‌المللی- و خدای متعال پاسخ خواهد داد. وقتی شما اطمینان به فضل الهی و برکات الهی پیدا کردید، اولین خاصیتش این است که احساس قدرت می‌کنید، احساس نیرومندی می‌کنید، ضعف و ترس و مانند اینها از شما دور می‌شود؛ خیلی با عظمت است، خیلی با ارزش است. احساس دیگری که در شما به وجود می‌آید، چون متکی به خدا، متکی به قدرت لایزال، متکی به نعمت بی‌زوال هستید، ایجاد امید است، در شما امید به وجود می‌آید، امید رشد می‌کند، دل شما روشن می‌شود به نور امید؛ وقتی امید بود، توکل بود، اعتماد به نفس بود، اتکاء به قدرت الهی بود، آن وقت یک ملت، شکست‌ناپذیر می‌شود؛ یک انسان، تبدیل می‌شود به یک عنصر لایزال از لحاظ اقتدار، از لحاظ حرکت، از لحاظ پیشرفت. راز اینکه این همه به ما در کلمات ائمه‌ی اطهار و در دعاها به توسل به خدای متعال و توکل به خدای متعال و تضرع پیش خدای متعال تحریض (۳) شده است، این است؛ وقتی شما به خدا متکی بودید، اِنَّمَا يَكْتَفِي الْمُكْتَفُونَ بِفَضْلِ قُوَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اِكْفِنَا وَ اِنَّمَا يُعْطَى الْمُعْطُونَ مِنْ فَضْلِ جِدَّتِكَ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ اَعْطِنَا؛ (۴) خدایا! آنهایی که در دنیا توانسته‌اند خودشان را در مقابل طوفانها نگه دارند، بخشی از قوت تو به آنها داده شده است، پس، از آن به ما هم عنایت کن؛ در دعا -در صحیفه‌ی سجّادیه- امام سجّاد به ما یاد می‌دهند این جوری دعا کنید، این جوری بخواهید.



اینکه ما را توصیه میکنند به دعا کردن، به تضرع کردن، برای این است که گم نکنیم خودمان را، خطا نکنیم؛ خودتان را کوچک نشمرید، ضعیف نشمرید؛ اگر متکی به منبع لایزال قدرت و ثروت باشید، آن وقت دیگر هیچ احتیاجی به کسی ندارید؛ اللَّهُمَّ اغْنِنَا عَنْ هَيْبَةِ الْوَهَّابِينَ بِهَيْبَتِكَ وَ اَكْفِنَا وَحْشَةَ الْقَاطِعِينَ بِصَلَاتِكَ؛ (۵) همه‌ی دنیا هم که رو برگردانند، شما قدرتمندید. یک ذره از این احساس در ملت ایران به وجود آمده، چهل سال است که در مقابل قدرتهای پرروی و قیح بی‌شرم متکبر دنیا، با قدرت تمام ایستاده است. آنچه من و شما در این مقوله داریم، یک اندکی از بسیار است؛ هرچه بیشترش کنیم، این اقتدار و این توانایی بیشتر میشود. خب، این راجع به ماه ذی‌حجه.

بنده امروز میخواهم درباره‌ی سه موضوع با شما صحبت کنم. البته بنده سرماخوردگی هم پیدا کرده‌ام و صدایم گرفته و از شما هم عذرخواهی میکنیم به خاطر گرفتگی صدا؛ ببخشید. این چیزها هم ما را از میدان خارج نمیکند، ما حرفمان را میزنیم. سه موضوع را میخواهم عرض بکنم، حالا تا حدی که حال و توان مجلس اجازه بدهد. یک موضوع راجع به مسئله‌ی اقتصاد و معیشت مردم است که امروز مسئله‌ی جاری‌ای است که در ذهن اغلب افراد هست؛ چند نکته را در این مورد میخواهم عرض بکنم. یک موضوع دیگر آمریکا است، آمریکا و شرارتهای آمریکا و مانند اینها؛ امروز حرفهای جدیدی در این زمینه از طرف آنها و امثال آنها مطرح میشود که بحث کوتاهی هم راجع به این قضیه میکنیم. یک مسئله هم مسئله‌ی وحدت سیاسی و عمومی مردم و مسئولان و هم‌افزایی‌ها است که در سرتاسر کشور بایستی، هم مردم، هم مسئولین، سعی کنند هم‌افزایی کنند؛ یکدیگر را تکمیل کنند.

خب، اما مسئله‌ی اول، مسئله‌ی اقتصاد؛ مشکلات معیشتی، امروز چیزی است که آحاد مردم، همه آن را احساس میکنند؛ یک بخشی از مردم هم بشدت و واقعاً زیر فشارند؛ گرانی هست؛ در مواد غذایی، گوشت، تخم‌مرغ، مرغ، بقیه‌ی چیزهای لازم در زندگی، اجاره بهای مسکن، در وسایل منزل، وسایل دیگر و امثال اینها، گرانی فراوان است. خب اینها واقعاً فشار می‌آورد روی مردم؛ یک مشکلاتی است که وجود دارد؛ یا کاهش ارزش پول ملی؛ اینها مشکلات اقتصادی کنونی کشور است.

کارشناسان اقتصادی کشور و بسیاری از مسئولین، متفقند بر اینکه عامل این حوادث، تحریمهای خارجی نیست، عامل این حوادث، درونی است، مشکلات داخلی است. بسیاری از مسئولین هم این را بر زبان آورده‌اند، گفته‌اند. کارشناس‌ها هم تقریباً - تا آنجایی که بنده مطلع شده‌ام - متفق بر این معنا هستند. نه اینکه تحریمها اثر ندارد؛ چرا، تحریمها هم اثر دارد؛ اما عمده‌ی تأثیر، مربوط به عملکرد ماها است. اگر چنانچه این عملکردها بهتر از این باشد، با تدبیرتر از این باشد، بهنگام‌تر از این باشد، قوی‌تر از این باشد که امروز هست، تحریمها اثر زیادی نمیگذارند؛ میشود علاج کرد و در مقابل تحریمها میشود ایستاد. بیشتر مشکل، ناشی از مسائل درونی و داخلی خود ما است. حالا مثلاً فرض کنید در همین قضیه‌ی ارز و سکه و این حرفهایی که این دو سه ماهه پیش آمد، خب، مبالغ زیادی - حالا گفتند مثلاً فرض بفرمایید هجده میلیارد دلار، اسکناس موجود ارز؛ برای کشور ما که در تهیته‌ی ارز مشکل داریم و ارزها و پولهای خودمان را هم نمیتوانیم از خارج وارد کشور کنیم و سخت است، هجده میلیارد رقم بالایی است - بر اثر بعضی از بی‌تدبیری‌ها و بی‌توجهی‌ها، آمد دست افرادی که از آن سوءاستفاده کردند. یک نفری یک کالایی را ثبت سفارش کرد، یک کالای دیگر آورد؛ یک چیزی را درخواست کرد برای یک مقصودی، ارز را در آنجا مصرف نکرد؛ گفت میخواهم مسافرت بروم، نفرت؛ ارز را، یا آوردند - یک تعداد معدودی - استفاده کردند، یا به قاچاقچی فروختند [و او] ارز را برداشت برد خارج، یا به کسی فروختند که آن را احتکار کرد و نگه داشت تا گران بشود و بیاید به قیمت دو برابر و سه برابر بفروشد و به ثروت بادآورده [برسد]؛ خب اینها مشکلات مدیریتی است؛ این ربطی به تحریم ندارد.



مسئولین محترم کشور، به این معنا اذعان دارند؛ قبول دارند که مشکل این جوری هست؛ بنابراین بسیاری از مشکلات از این قبیل است. مشکلات، مربوط به نحوه مدیریت ما و نحوه سیاست‌گذاری اجرایی ما است.

ارز را یا سکه را وقتی که به صورت غلط تقسیم میکنند، این دو طرف دارد: یکی آن که می‌آید این را میگیرد و مثلاً فرض کنید قاچاقچی است یا به قاچاقچی می‌فروشد؛ یکی آن که این را میدهد. ما همه‌اش داریم دنبال آن کسی که «میگیرد» میگردیم -مفسد اقتصادی، قاچاقچی- درحالی که تقصیر عمده متوجه آن کسی است که «داد»؛ او را باید دنبال کرد. در این کاری که اخیراً قوه قضائیه شروع کرده که کار درستی است، دنبال این هستند. نه اینکه بیخود زید و عمرو را متهم کنند؛ نه، لکن بالاخره یک تخلفی انجام گرفته، یک خطای بزرگ انجام گرفته. نمیگوییم هم «خیانت»؛ زبان بنده این جور نمیگردد که راحت بگوییم فلانی یا فلان کس‌ها خیانت میکنند؛ نه، اما بالاخره خطا کردند و خطای مهمی کردند که ضررش به مردم برگشت. وقتی این جور قیمت ارز ترقی پیدا میکند -یعنی قیمت ریال می‌آید پایین- خب برای آن کارمندی که روزمزد است یا حقوق اندکی دارد، دیگر چیزی باقی نمیماند. قیمت ریال وقتی آمد پایین، قیمت پول ملی وقتی آمد پایین، مشکلات همین میشود که ملاحظه میکنید. خب، این یک نکته که بنابراین، تحریمها اثر دارند -نه اینکه اثر ندارند- اما عمده‌ی تأثیر سوء، مربوط به نحوه اقدام ما و مدیریتها است.

یک نکته‌ی دیگر این است که دشمن از همین جا می‌آید سوء استفاده میکند؛ دشمن کمین گرفته دیگر. ما دشمن داریم؛ ما یک ملتی هستیم که به دلایل گوناگون، دشمنان خبیث و رذل کم نداریم؛ در اطراف کمین گرفته‌اند، بمجرّدی که این مشکل را در داخل مشاهده کرد، فوراً مثل مگسی که روی زخم می‌نشیند، می‌آید می‌نشیند روی این مشکل و بنا میکند از این سوء استفاده کردن؛ القا میکند که بله نظام اسلامی نتوانست، نظام اسلامی ناتوان بود؛ القای ناامیدی میکند، مردم را دچار سرگردانی میکند. تبلیغات [میکند]؛ می‌بینید دیگر؛ حالا من نمیدانم چقدر شماها با این تبلیغات جهانی ارتباط دارید؛ حالا که دیگر فضای مجازی در اختیار همه هست. به طور دائم، از صد طرف، تبلیغات علیه نظام اسلامی و علیه اسلام و علیه جمهوری اسلامی و علیه همه‌ی دستگاه‌های کشور و مانند اینها شروع میشود، به خاطر خطائی که زیدی، عمروی یا بکری انجام داده‌اند؛ دشمن از این سوء استفاده میکند. خب، این حرکت شرورانه‌ی دشمن است؛ خب، حالا چه؟ دشمن میخواهد القا کند که کشور دچار بن‌بست است.

حرف من این است: من میگویم در کشور هیچ بن‌بستی وجود ندارد؛ در همین زمینه‌ی اقتصادی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد. این جور نیست که راه‌حل نباشد؛ نخیر، مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته شده است، راه‌حل‌ها هم شناخته شده است. کننده‌ها باید ان شاء الله همّت کنند، دامن همّت به کمر بزنند، که خب شروع کرده‌اند -کارهایی شده که من حالا در ادامه‌ی صحبت بیشتر عرض خواهم کرد- انسان میبیند؛ بنده خودم که اینجا نشسته‌ام، مرتب از طرف جوانهای مؤمن، انقلابی، علاقه‌مند، خوش فکر، با ابتکار، پیشنهاد و نامه و حرف و مانند اینها به من میرسد که من هم میفرستم برای دستگاه‌های اجرائی که از آنها استفاده کنند؛ اینها چیزهایی است که برای من می‌آید. اخیراً دیدم حدود چهل کارشناس اقتصادی که بعضی‌هایشان صاحب‌نام هم هستند و بعضی‌ها را ما می‌شناسیم، به رئیس‌جمهور نامه نوشته‌اند؛ مشکلات اقتصادی کشور را فهرست کرده‌اند، راه‌حل‌ها را هم فهرست کرده‌اند. من بادقت خواندم نامه را، دیدم درست است؛ دیدم نامه را از روی دلسوزی نوشته‌اند. کسانی هم هستند که با دولت و دستگاه و رئیس‌جمهور محترم و مانند اینها مخالفتی ندارند؛ اینها جزو همین جریان‌ها هستند که امروز در دستگاه‌های اجرائی حضور کاملی دارند، اما درعین حال اشکالات ساختاری اقتصاد و اشکالات موجود و بالفعل



حرکت اقتصادی کشور را خوب تشخیص داده‌اند، برداشته‌اند نوشته‌اند، بیست راه‌حل هم نوشته‌اند. بنده نگاه که کردم -آن‌طور که در ذهنم می‌آید- به نظرم تقریباً همه‌ی راه‌حل‌هایشان درست است؛ اینها همان چیزهایی است که چند سال است ما در شعارهای سال همینها را تکرار کرده‌ایم؛ در سیاستهای کلی که ابلاغ میشود به سه قوه، اغلب اینها -حالا نمی‌گوییم [همه]- چیزهایی است که ما گفته‌ایم؛ حالا این اقتصاددان‌هایی که مستقلاً، صاحب نظرند، صاحب فکرند، اینها را گفته‌اند؛ پس راه‌حل وجود دارد. اینکه دشمن و به تبع دشمن یک عده آدم پست داخلی در فلان مطبوعه، در فلان سایت اینترنتی این جور تبلیغ کنند که «کشور دیگر به بن‌بست رسید، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه پناه ببریم به فلان شیطان یا فلان شیطان اکبر»، این دیگر خباثت است؛ نخیر، راه وجود دارد، راه‌حل وجود دارد؛ این راه‌حل‌ها هست، در اختیار مسئولین است، میتوانند اجرا کنند، میتوانند عمل کنند. گفتم بعضی از اینها را هم شروع کرده‌اند، منتها باید جدی‌تر شروع کنند. بنده حالا به شما دارم می‌گویم و به اصطلاح در معرض عام دارم می‌گویم لکن در جلسات خصوصی به رؤسای محترم کشور و مسئولین کشور بارها و بارها همین را گفته‌ایم، آنها هم می‌روند دنبال میکنند و بالاخره به قدر توان حرکت میکنند؛ بایستی همکاران خوبی را و فعالان خوبی را انتخاب بکنند؛ همین جوانهای مؤمن را. ما نیرو کم نداریم، ما نیروی مستعد آماده‌به‌کار کمر بسته‌ی بانگیزه‌ی باعرضه کم نداریم. همین تازه، حدود پنج هزار نفر دانشگاهی به بنده نامه نوشتند و امضا کردند؛ من نامه را البته ندیدم، خبرش را برای من آوردند؛ می‌گویند ما در خدمت انقلابیم، در خدمت شما هستیم، آماده‌ایم؛ آماده‌اند، آماده‌ی کارند؛ ما نیروی انسانی کم نداریم؛ الحمدلله کشور غنی است از لحاظ نیروی انسانی. خب از اینها استفاده بشود، از اینها کمک خواسته بشود، ان‌شاءالله کارها انجام می‌گیرد.

من آخرین بار در یک معرض عمومی در روز عید فطر، در نماز، این را خطاب به مسئولین گفتم؛ نقدینگی عظیمی در کشور به وجود آمده که این هم ناشی از اشتباهات است؛ خود این یکی از سیاست‌های اشتباه است که نتیجه‌اش این شده است که نقدینگی در کشور افزایش پیدا کند که مشکلات فراوانی را به وجود آورده؛ من گفتم اگر مسئولین کشور بتوانند بنشینند راه‌هایی پیدا کنند و این نقدینگی را هدایت کنند به سمت اقتصاد تولیدی، چه در صنعت، چه در کشاورزی، چه در مسکن و امثال اینها، همین نقدینگی که امروز تهدید است، تبدیل خواهد شد به فرصت؛ نصف این نقدینگی را هم اگر بتوانند هدایت کنند، این‌چنین است. الان هم من عرض میکنم خطاب به مسئولین محترم دولتی -که شما میدانید من از دولت حمایت میکنم؛ بنده از همه‌ی دولت‌ها حمایت میکنم- و مؤکداً سفارش میکنم که بنشینند فکر کنند، از آدمهای وارد و مطلع و باهوش کمک بگیرند و راه‌هایی پیدا کنند برای هدایت این نقدینگی عظیم به سمت تولید؛ میشود، این کار شدنی است، این کار عملی است؛ وظیفه‌ی مسئولین محترم دولتی و اقتصادی است و باید این کار را انجام بدهند. این [هم] یک نکته.

یک نکته‌ی دیگر این است که اینهایی که تحلیل میکنند مسائل اقتصادی را و گاهی هم گزارش میکنند و به مسئولین عالی‌رتبه‌ی کشور هم همین تحلیل‌ها را منتقل میکنند، می‌گویند بله، علت این مشکلاتی که در بازار پیش آمده و در محیط کسب‌وکار پیش آمده، این است که چون مثلاً بنا بوده دشمن تحریمها را از نیمه‌ی مرداد یا از آبان‌ماه شروع کند، فعالان اقتصادی چون میدانستند، خودشان را جمع‌وجور کردند؛ خیلی خب، اگر فعالان اقتصادی -که میدانستند بنا است تحریم بشود- خودشان را آماده کردند، مسئولین دولتی بیشتر باید خودشان را آماده میکردند برای مقابله‌ی با تحریم. عرض کردم، تحریم تأثیر کمتری دارد. حالا بعضی می‌گویند سی درصد، بعضی می‌گویند بیست درصد؛ بنده اندازه ندارم که بتوانم بگویم سی درصد یا بیست درصد، میدانم تأثیرش کمتر است. اگر واقعاً تحریم تأثیر دارد، خیلی خب، شماها که میدانستید بنا است تحریم بشود، خودتان را آماده میکردید؛ باید آماده



کنید، باید آماده کنند؛ الان هم همین جور است، الان هم دیر نشده. اگر کسی بگوید دیر شده، اگر کسی بگوید ممکن نیست، بیخود گفته؛ یا جاهل است یا همین جوری حرف میزند؛ نخیر، دیر نیست. الان هم میتوانند تصمیم گیری کنند در مقابل اقدام خصمانه و خبیثانه‌ی دشمن - که حالا به حساب آن هم میرسیم - و اقدامات لازم را انجام بدهند؛ این کاری است که میشود [کرد]. اگر کسی اعلام کند که نخیر، نمیشود دیگر کاری کرد و دیگر کار از کار گذشته - [یعنی] اعلام بن بست - اگر کسی چنین کاری را بکند، یا جاهل است یا حالا عرض کردم من نمیخواهم نسبت خیانت به کسی بدهم اما حرف، خائنانه است؛ اگر ناشی از جهالت نباشد. این هم یک نکته.

خب، یک نکته، مسئله‌ی فساد است. یکی از کارهایی که حتماً باید انجام بگیرد، مقابله‌ی با فساد است. این نامه‌ای که رئیس محترم قوه‌ی قضائیه‌ی پیروز به ما نوشتند و ما هم جواب دادیم و تأکید کردیم، یک گام مهم مثبتی است برای مقابله‌ی با فساد و مفسد؛ مفسد بایستی مجازات بشود. خب حالا چرا این را ما علنی میگوییم و اصرار میکنیم؟ برای خاطر اینکه تجربه نشان داده که وقتی با فساد و با مفسد، مواجهه و مقابله صورت میگیرد، جیغ و دادهایی از گوشه و کنار بلند میشود. من ده دوازده سال قبل از این یک نامه‌ای نوشتم به سران سه قوه درباره‌ی فساد؛ آنجا گفتم که این یک - قریب به این مضمون؛ در مدارک و مانند اینها موجود است - ازدهای هفت سر است؛ فساد این جوری است، یک سرش را زدی، چند سر دیگر دارد که بالا می‌آیند؛ باید به طور کامل با آن مواجهه بشود. اینکه علنی میکنیم، برای این است که همه بدانند، همه بفهمند بنا است با مفسد بدون رعایت هیچ ملاحظه‌ای برخورد قاطع صورت بگیرد. (۶) اجازه بفرمایید، اجازه بفرمایید! شما مگر دادگاهید که میگویید اعدام باید گردد؟ (۷) بعضی‌هایشان ممکن است اعدامی باشند، بعضی ممکن است نخیر، اعدامی نباشند، حبسی باشند؛ فضا سازی نکنید که «اعدام باید گردد» که مجبور بشوند [اعدام کنند]؛ البته مجبور که نمیشوند، مراعات میکنند. بنده نوشته‌ام باید عادلانه باشد و با دقت انجام بگیرد؛ یعنی کار بایستی دقیق و عادلانه انجام بگیرد.

یک نکته‌ی بسیار مهم در زمینه‌ی فساد هست؛ این را بگویم، این را همه توجه کنند، همه‌ی ملت ایران هم توجه کنند. بنده از قدیم با فساد و مفسد و مفسدین اقتصادی و غیرذلک مبارزه میکردم و مخالفت میکردم، الان هم عقیده‌ام قرص و محکم همین است؛ اما بعضی‌ها وقتی درباره‌ی فساد حرف میزنند، افراطی حرف میزنند، حواستان باشد! یک جوری حرف میزنند که گویا همه فاسدند، همه‌ی مدیران را و همه‌ی دستگاه‌ها را فساد گرفته! نه آقا، این جوری نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند. بله! فساد، کمش هم زیاد است و باید با آن مواجهه بشود؛ اما این یک حرف است، اینکه شما جوری حرف بزنید که شنونده خیال کند همه جا را فساد گرفته [حرف دیگری است]. بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار میبرند: «فساد سیستمی»؛ نه آقا! آن کسی که فساد را سیستمی میبیند، در مغز خودش فساد هست، در چشم خودش فساد هست. این همه مدیر پاک دست، این همه کارگزار مؤمن و پاک دست در سرتاسر کشور در همه‌ی دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت میکشند؛ چرا به اینها ظلم میکنید؟ چرا خلاف میگویید؟ چرا به نظام اسلامی ظلم میکنید؟ بله! در نظام اسلامی یک نفر هم نباید فاسد باشد؛ اما آنچه وجود دارد، مثلاً ده فاسد است، نه ده هزار فاسد؛ خب اینها خیلی تفاوت دارد؛ این را توجه داشته باشید. بعضی‌ها در حرف زدن، در نوشتن؛ حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، راحت برمیدارند اینجا و آنجا مینویسند «آقا همه را فساد گرفته»؛ نه آقا! این جوری نیست. بله! فساد هست، در دستگاه‌های مختلف هم هست. من دیدم مثلاً در فرض کنید مجلس یا جای دیگر بعضی‌ها را متهم میکنند؛ درست که دقت میکنید، می‌بینید آنهایی که مورد اتهام قرار گرفته‌اند یک چند نفر آدمند؛ این چند نفر را نمیشود تعمیم داد. تازه اگر راست باشد؛ ممکن است همین هم که متهم میکنند دروغ باشد، خلاف واقع باشد، از روی ندانستن و بی‌اطلاعی باشد؛ اما اگر هم راست باشد، تازه میشود چند نفر در مقابل



یک عده‌ی کثیر. توجه داشته باشید که افراط و تفریط در همه‌ی چیزها غلط است.

خب، جمع‌بندی؛ در این زمینه‌ی مسائل اقتصادی، مشکلات اقتصادی در کشور وجود دارد و شناخته شده است، راه‌حل آنها هم شناخته شده است؛ چه راه‌حل‌های ساختاری، چه راه‌حل‌های کوتاه‌مدت. بنده از رؤسای محترم سه‌قوه خواستم جلسه‌ای مشترک تشکیل بدهند برای اینکه همه با هم مشترکاً برای مسائل اقتصادی کشور و مشکلات اقتصادی راه‌حل پیدا کنند. از حدود دو ماه قبل از این بنده درخواست کردم؛ این جلسه به‌طور پیوسته دارد تشکیل میشود، رؤسای سه‌قوه با بعضی از کارشناس‌های امین از سه‌قوه راجع به مسائل اقتصادی بحث میکنند. این کار مهمی است؛ این را ما از آقایان مطالبه کرده‌ایم و آقایان هم دارند اجرا میکنند.

دستگاه‌های نظارتی هم بایستی با قوت و با چشم باز در میدان باشند؛ هم دستگاه‌های اطلاعاتی، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به قوه‌ی قضائیه، هم دستگاه‌های نظارتی مربوط به مجلس، هم آحاد مردم مؤمن بایستی احساس کنند که وظیفه دارند و نقش ایفا کنند. من دیدم در یکی از این روزنامه‌ها، از مردم مؤمن - حزب‌اللهی، بسیجی و غیره - خواسته شده که اگر شما به یک جایی دست پیدا کردید و اطلاع پیدا کردید که مثلاً احتکار کرده‌اند، بیایید خبر بدهید. بله، خیلی فکر خوبی است؛ درست است؛ خیلی از این کارهایی که انجام گرفته است، با کمک آحاد مردم [بوده].

دولت هم باید از نیروهای پُرانگیزه و زرنگ استفاده کند - در مدیریت‌های کلان؛ نه فقط در کارهای خرده‌ریز، [بلکه] در وزارت‌ها و در مدیریت‌های بالا- و راه‌های فساد را ببندد. بله! قوه‌ی قضائیه مجازات میکند، اما در قوه‌ی مجریه میتوان جلوی راه‌های فساد را - کارهایی که فسادآفرین است - بست. مثلاً در همین قضیه‌ی ارز و سکه و این حرف‌ها، اگر نظارت بود، اگر دقت بود، اگر پیگیری بود، راه این فساد بسته میشد؛ این در دروازه را نبستند، کاری که باید انجام بگیرد انجام نگرفت، خب فساد درست شد. یکی از کارها همین است که راه‌های فساد، درهای فساد بسته بشود.

مردم هم در مقابل تحریکات دشمن با بصیرت عمل کنند. [البته] مردم ما الحمدالله بصیرت خودشان را نشان داده‌اند؛ حالا من در مورد قضایای دی‌ماه یک نکته‌ای را بعداً عرض خواهم کرد. (اگرچه یک ذره‌ای جلسه طولانی میشود؛ اشکالی ندارد؛ شماها هم از راه دور آمده‌اید، بنده هم با اینکه سرما خورده‌ام، [وقتی] صحبت کردم یک قدری حالم مثل اینکه بهتر شد.) مردم با بصیرت عمل کردند، حالا هم با بصیرت عمل کنند، بدانند که دشمن درصدد سوء استفاده‌ی از این نقطه‌ی ضعفی است که در ما هست. این نقطه‌ی ضعف وجود دارد - نه اینکه نقطه‌ی ضعف نیست - اما دشمن میخواهد از این نقطه‌ی ضعف علیه ملت ایران و به سود خودش استفاده کند. او که قصد ندارد نقطه‌ی ضعف را برطرف کند؛ او هرچه بتواند کمک میکند که ضعف بیشتر بشود؛ میخواهد سوء استفاده کند. مردم همان‌طور که در گذشته هم نشان دادند با بصیرت عمل کردند، باز هم در این زمینه با بصیرت عمل کنند.

و دستگاه‌های تبلیغاتی هم - چه صداوسیما، چه مطبوعات، چه این وبگاه‌های فضای مجازی - بذر ناامیدی نپاشند در مردم؛ جواری حرف نزنند که یک عده‌ای را ناامید کنند از اسلام؛ نه، حالا میخواهند انتقاد هم بکنند، انتقاد کنند؛ بنده با انتقاد منطقی مخالف نیستم، منتها ناامید نکنند مردم را. گاهی در یک روزنامه‌ای، در یک برنامه‌ی تلویزیونی‌ای، یا در یک برنامه‌ی رادیویی، جواری حرف زده میشود که آدم میبیند «عجب! مثل اینکه همه‌ی درها بسته است»؛ خب این جور نیست؛ درها بسته نیست؛ چرا این جواری بگویند؟ این را بدانید؛ بدانید مطمئناً ملت



ایران و انقلاب عزیز اسلامی و نظام جمهوری اسلامی همچنان که از مراحل سخت دیگری گذشته است، از این مراحل که از آنها آسان تر است براحتی ان شاء الله خواهد گذشت.

و اما مسئله‌ی آمریکا. اولاً این را عرض بکنم آمریکایی‌ها در ادبیاتشان، در حرف زدن‌هایشان، در این ماه‌های اخیر یا نیم سال اخیر، از گذشته وقیح تر و بی ادب تر شده‌اند. قبلاً هم آمریکایی‌ها در حرف زدن بی ادب بودند؛ در حرف زدن‌هایشان ادب دیپلماسی را، ادب سیاسی را، ادب‌های رایج بین‌المللی را کمتر مراعات میکردند اما حالا از گذشته بی ادب تر و وقیح تر شده‌اند. نه فقط در رابطه‌ی با ما، [بلکه] در رابطه‌ی با همه جای دنیا و همه چیز و همه‌ی قضایای مختلف، کأته حیا از اینها گرفته شده؛ یعنی یک کارهایی میکنند، یک حرف‌هایی میزنند، یک موضع‌هایی میگیرند که انسان واقعاً حیرت میکند که اینها چه هستند! اینها انسانند؟ شما دیدید در این هفته‌ی گذشته، در طول یک هفته سعودی‌ها دو جنایت تکان‌دهنده در یمن انجام دادند: در اوّل این یک هفته حمله کردند به یک بیمارستان، با بمب و با موشک تعدادی بیمار را در بیمارستان کشتند؛ آخر هفته هم یک ماشین حامل بچه‌ها - بچه‌های هشت نه ساله و ده ساله - را هدف قرار دادند و چهل پنجاه کودک بی‌گناه را به قتل رساندند. می‌بینید چقدر این مصیبت بزرگ است؟ بچه‌ی هشت نه ساله در خانه دارید؟ دل انسان می‌لرزد! این جنایت را سعودی‌ها انجام دادند. خب، دنیا تکان خورد، وجدان دنیا تکان خورد؛ حالا دولت‌ها - [البته] تعارف‌آمیز - یک کلمه‌ای گفتند و اظهار تأسف کردند یا یک چیزی گفتند اما بالاخره همه تکان خوردند. آمریکا اینجا چه کار کرد؟ آمریکا به جای اینکه این جنایت واضح را محکوم کند، آمد گفت که «ما با سعودی‌ها همکاری‌های راهبردی و استراتژیک داریم!» این بی‌حیایی نیست؟ این بی‌شرمی نیست؟ در همه‌ی قضایا همین جور است؛ کارهایی که میکنند، نشان‌دهنده‌ی بی‌حیایی و وقاحت است. همین کاری که رئیس‌جمهور آمریکا کرد و حداقل دو هزار بچه‌ی دو ساله، سه ساله، پنج ساله - کمتر یا بیشتر - را از مادرهایشان جدا کرد به‌عنوان اینکه «چون اینها مهاجرند»؛ بعد، خب بچه را که نمیشود نگه داشت، چه کارشان کنند؟ بچه‌ها را داخل قفس کردند. شما ببینید! بچه را از مادرش جدا میکنند، بعد برای اینکه بتوانند این بچه‌ی بی‌مادر را نگهداری کنند، دو هزار بچه را داخل قفس میکنند! اصلاً این جنایت در تاریخ سابقه دارد؟ [این کار را] میکنند، و می‌ایستند، راست راست هم نگاه میکنند، حرکت میکنند و احساس خجالت هم نمیکنند! یعنی واقعاً ادبیات و حرف زدن اینها، کارهای اینها، اقدام‌های اینها، این اواخر حقیقتاً خیلی وقیحانه و بی‌شرمانه شده است.

خب، درباره‌ی ما هم حالا حرف میزنند؛ همینها با همین لحن مزخرف چرند این جوری، درباره‌ی جمهوری اسلامی حرف هم میزنند؛ چه میگویند؟ حالا غیر از مسئله‌ی تحریم که میگویند تحریم میکنند و فلان، دو موضوع را هم مطرح میکنند؛ یکی مسئله‌ی جنگ را، یکی مسئله‌ی مذاکره را. البته جنگ را صریحاً نمیگویند می‌جنگیم اما به خیال خودشان با اشاره و با کنایه و با این حرف‌ها میخواهند بگویند خلاصه ممکن است جنگ راه بیفتد. شبیح جنگ را بزرگ میکنند برای اینکه یا ملت را بترسانند یا ترسوها را بترسانند؛ چون بالاخره ما یک مشت ترسو هم داریم دیگر اینها را بترسانند؛ بالاخره مسئله‌ی شبیح جنگ را بزرگ میکنند، مطرح میکنند؛ یکی این است. یکی هم مسئله‌ی مذاکره که بله، ما با ایران حاضریم مذاکره کنیم. آن وقت این هم دیگر از آن بازی‌های پیش‌پاافتاده [است] که یکی‌شان میگوید مذاکره‌ی بی‌پیش‌شرط، یکی میگوید نه، مذاکره‌ی باپیش‌شرط! اینها دیگر بازی‌های سیاسی است که واقعاً پیش‌پاافتاده است، یعنی ارزش پرداختن به آنها را ندارد. به‌هر حال هم راجع به جنگ، هم راجع به مذاکره صحبت میکنند. خب، بنده حالا دو سه نکته را درباره‌ی هر کدام از اینها عرض خواهم کرد، لکن حالا قبل از اینکه این نکات را بگویم، به‌طور خلاصه در دو کلمه به ملت ایران بگویم: جنگ نخواهد شد و مذاکره نخواهیم کرد؛ این حالا خلاصه‌ی



حرف بود که بدانید، همه‌ی ملت ایران بدانند؛ اما اینها استدلال پشت سرش هست، صرف ادعا نیست، صرف گفتن و آرزو کردن و شعار دادن نیست، استدلال هست.

جنگ نخواهد شد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه جنگ دو طرف دارد: یک طرف ما هستیم، یک طرف او است؛ ما که خب جنگ را شروع نمیکنیم، ما هیچ جنگی را شروع نکرده‌ایم. افتخار جمهوری اسلامی این است که هیچ جنگی را ما شروع نکرده‌ایم؛ جنگهایی داشته‌ایم، منتها شروع کننده طرف مقابل بوده. وقتی که طرف مقابل شروع کند، ما البته با قدرت وارد میدان می‌شویم، اما ما جنگ را شروع نمیکنیم؛ اینکه طرف ما. طرف آمریکایی و آمریکایی‌ها هم جنگ را شروع نمیکنند، برای اینکه گمان میکنم آمریکایی‌ها هم میدانند که اگر جنگی را اینجا شروع کنند، صد درصد به ضررشان تمام خواهد شد. جمهوری اسلامی و ملت ایران آن مجموعه‌ای هستند که هرکس به آنها تعرض بکند ممکن است ضربه بزند، اما ضربه‌ی بزرگ‌تر را خودش خواهد خورد؛ کما اینکه تا حالا این جوری بوده. آمریکایی‌ها یک بار هم اینجا حمله کردند به طیس - یادتان هست - خودشان را نجس کردند، برگشتند رفتند! (۸) درست است که خیلی چیزها را ممکن است نفهمند، اما به نظرم می‌آید این قدر هم چیز نیستند که این را نفهمند! (۹) جنگ نخواهد شد، مطمئناً.

اما مسئله‌ی مذاکره. خب حالا آمده این بابا (۱۰) پیشنهاد کرده که ما حاضریم با ایران مذاکره کنیم؛ یک عده هم اینجا - حالا یک عده که میگویم، واقعاً نمیدانم انسان چه تعبیر کند از اینها - [گفتند] عجب! آمریکایی‌ها پیشنهاد مذاکره کرده‌اند. خب پیشنهاد مذاکره از طرف آمریکایی‌ها چیز جدیدی نیست. در طول این چهل سال غالباً آنها دنبال مذاکره‌ی با ما بوده‌اند. ریگان رئیس‌جمهور مقتدر آمریکا - که آمریکای آن روز با آمریکای امروز خیلی فرق کرده، او نسبت به اینها خیلی قوی‌تر و مقتدرتر بود - حتی مخفیانه آدم هم فرستاد تهران، قضیه‌ی مک فارلین معروف، آدم فرستاد در همین فرودگاه مهرآباد، آخر هم با دست خالی برگشت؛ زمان امام (رضوان الله علیه). این بار اولی نیست که اینها درخواست میکنند! بله، اینها همیشه درخواست داشته‌اند، ما رد میکردیم، ما قبول نمیکردیم. حالا «چرا قبول نمیکردیم» را عرض میکنم. ما هیچ وقت قبول نمیکردیم، الان هم قبول نمیکنیم. آمریکایی‌ها همیشه درخواست داشته‌اند با ما مذاکره کنند. حالا ما چرا مذاکره نمیکنیم؟ گوش کنید، خیلی حرفهای زیادی در این زمینه هست؛ چرا مذاکره نمیکنیم؟ علت، این است: آمریکایی‌ها فرمول مذاکراتی‌شان این است که میگویم؛ با این فرمول و با این طرف، آدم عاقل ببینید مذاکره میکند یا نمیکند.

مذاکره اولاً در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی دادوستد، یعنی بنشینید دو طرف میز؛ شما یک چیزی بدهید، یک چیزی بگیرید؛ معنای مذاکره‌ی سیاسی این است. خب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی میخواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص میکنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمیگویند؛ در اثنای کار مرتب دبه میکنند، مرتب اضافه میکنند، مرتب چانه میزنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است؛ این یک.

دوم، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. بله، اهداف فرعی و چیزهای بیخودی کم‌ارزش را در حاشیه گاهی می‌آورند و از آنها صرف‌نظر میکنند که بظاهر یک نوع عقب‌نشینی است، اما از مقصود اصلی و اهداف اصلی‌شان مطلقاً عقب‌نشینی نمیکنند، امتیاز اصلاً نمیدهند.



سوم، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند، از او وعده قبول نمیکنند؛ میگویند ما اطمینان نداریم، امتیاز نقد از او مطالبه میکنند؛ کما اینکه ما در برجام این را تجربه کردیم، در جاهای دیگر هم [تجربه شد]. الان هم که دارند با کره‌ی شمالی مذاکره میکنند همین‌جور است؛ امتیاز نقد می‌خواهند از آن طرف. اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوشیاری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازند که بله، اینها مذاکره نمیکنند، اینها به میز مذاکره باید برگردند، اینها چنین میکنند. یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل منفعل میشود، دچار انفعال میشود؛ در مقابل این جنجال و هوشیاری و هیاهویی که اینها میکنند، معمولاً کم می‌آورند، منفعل میشوند.

و مرحله‌ی چهارم، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد میگیرد چیز نقدی به او بدهد، مثل هر معامله‌ای که شما پول میگیرید و جنس باید بدهید، جنس نمیدهد؛ نقد را میگیرد، در مقابلش وعده میدهد، اما وعده‌های قرص و محکم: مطمئن باشید، تردید نکنید، شک نکنید؛ با وعده دل طرف مقابل را خوش میکند و طرف مقابل [هم] میبیند دارد وعده میدهد با این قرصی و با این محکمی.

مرحله‌ی آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم میزند، این وعده‌ی قرص و محکم را هم مثل باد هوا فراموش میکند! روش مذاکره‌ی آمریکایی‌ها این است.

حالا با این دولت، با این رژیم زورگوی متقلب، باید نشست مذاکره کرد؟ چرا مذاکره کنیم؟ برجام نمونه‌ی واضح این است. تازه بنده سخت‌گیری می‌کردم - که البته همه‌ی خطوط قرمزی که ما معین کرده بودیم رعایت نشد - طرف مقابل این‌جوری رفتار کرد، این‌جوری عمل کرد. خب با این طرف مقابل نمیشود مذاکره کرد؛ با این دولت نمیشود مذاکره کرد. درباره‌ی مسائل گوناگون، هر دولتی که با این دولت مذاکره کند، [او] مشکل درست میکند؛ مگر اینکه هم جهت باشند، مثل انگلیس. [البته] به انگلیس هم زور میگویند؛ آمریکایی‌ها حتی به انگلیس هم زور میگویند، به اروپایی‌ها هم زور میگویند، اما آنها حالا به یک جهاتی اشتراکاتی دارند، با همدیگر تعامل میکنند، کار میکنند. با هرکسی که مذاکره میکند، وضعیت این‌جوری است. ما باید وقتی مذاکره کنیم، وقتی وارد این بازی خطرناک بشویم که فشار او، هوشیاری او، نتواند در ما تأثیر بگذارد به‌خاطر یک اقتداری که داریم. بله، آن وقتی که جمهوری اسلامی از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فرهنگی، به آن اقتداری که ما در نظر گرفته‌ایم برسد، آنجا برود مذاکره کند؛ حرفی نیست. امروز چنین چیزی وجود ندارد؛ ما اگر چنانچه برویم مذاکره کنیم، قطعاً این مذاکره به ضرر ما تمام خواهد شد؛ مذاکره با یک طرف زورگوی این‌جوری، به ضرر ما تمام خواهد شد. بنابراین، مذاکره‌ی با آمریکا را امام هم ممنوع اعلام کردند به‌خاطر همین جهت؛ بنده هم ممنوع اعلام کردم. امام فرمودند تا وقتی آمریکا آدم نشود، ما مذاکره نمیکنیم. آدم نشود یعنی چه؟ یعنی تا وقتی که از اسرائیل حمایت میکند، از نیروهای شرافین منطقه حمایت میکند؛ ما هم همین را میگوییم. حالا اگر چنانچه یک وقتی هم بر فرض محال قرار بود دولت جمهوری اسلامی با رژیم آمریکا مذاکره هم بکند، با این دولت کنونی آمریکا هرگز مذاکره نمی‌کرد. همه بدانند - هم سیاستمداران ما و دیپلمات‌های ما، هم جوانهای پُرانگیزه‌ی ما، هم دانشجویان رشته‌های سیاسی ما، هم فعالان میدان سیاست، همه بدانند - مذاکره با رژیم زورگو و پُرتوقعی مثل آمریکا، وسیله‌ای برای رفع دشمنی نیست؛ مذاکره، وسیله‌ای برای رفع دشمنی آمریکا نیست بلکه مذاکره، ابزاری در دست او برای اعمال دشمنی است. ببینید؛ این یک فرمول قطعی است که هم تجربه‌های ما آن را تأیید میکند، هم ملاحظات گوناگون سیاسی آن را تأکید میکند. بعضی میگویند مذاکره کنیم تا دشمنی کم بشود؛ نه، مذاکره دشمنی را کم نمی‌کند، مذاکره یک وسیله‌ای



به او می‌دهد تا اعمال دشمنی بیشتری بکند. لذاست که مذاکره نمیکنیم و ممنوع است؛ همه هم بدانند.

خب، آمریکا امروز متمرکز شده بر جنگ اقتصادی با ما؛ جنگ نظامی نیست و نخواهد شد اما جنگ اقتصادی هست. الان متمرکزند روی جنگ اقتصادی؛ چرا؟ چون از جنگ نظامی مأیوسند.

حتی از جنگ فرهنگی هم مأیوسند. ببینید؛ در دهه‌ی ۷۰ که دهه‌ی دوّم انقلاب ما بود، یک حرکت فرهنگی خباثت‌آلودی علیه کشور ما شروع شد که بنده همان وقت مسئله‌ی تهاجم فرهنگی را مطرح کردم، مسئله‌ی شبیخون فرهنگی را مطرح کردم، برای اینکه جوانها حواسشان باشد، چشمشان باز باشد، مردم بدانند. یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولّدین دهه‌ی ۷۰، امروز دارند میروند به عنوان مدافع حرم جان می‌دهند، سر می‌دهند و نیرو می‌دهند؛ نعششان برمیگردد! چه کسی این را حدس میزد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گله‌ها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهالها روییدند، حججی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد. یک جنگ فرهنگی راه انداختند در دهه‌ی ۷۰ و بخشی از دهه‌ی ۸۰، برای اینکه افتخارات دفاع مقدّس را به فراموشی بسپارند، و اصرار داشتند بر این؛ [اما] جمهوری اسلامی یک فتاوری نرم را به وجود آورد، یعنی حرکت عمده‌ی راهیان نور. راهیان نور یک فتاوری است؛ یک فتاوری قدرت نرم است. میلیون‌ها جوان راه افتادند رفتند در جبهه‌های جنگ، در آن کانون معرفت و قدس، در آن کانون فداکاری، آنجا دیدند که چه وضعیتی بوده است و چه اتفاقاتی افتاده است؛ [برایشان] شرح دادند و در ماجرای دفاع مقدّس قرار گرفتند. بله، جمهوری اسلامی این است؛ مدافع حرم تربیت میکند؛ راهیان نور راه می‌اندازد؛ معتکفین در مساجد را - که تقریباً همه هم جوانند، به عنوان یک نماد عالی تضرّع و قداست - به وجود می‌آورد؛ اینها که [قبلاً] نبود؛ پس ما در جنگ فرهنگی بر دشمن پیروز شدیم. در جنگ نظامی هم ما پیروز شدیم.

در جنگ امنیتی - سیاسی هم ما پیروز شدیم. جنگ امنیتی - سیاسی‌شان سال ۸۸ و حوادث سال ۸۸ بود. برای آن حوادث سالها زحمت کشیده بودند؛ آن جور حوادث یک‌ساعته و یک‌روزه که به وجود نمی‌آمد؛ چند سال برای آن زحمت کشیده بودند؛ ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی بر توطئه‌ی دشمن فائق آمد و پیروز شد.

حالا دشمن بعد از شکستی که در جبهه‌ی فرهنگی خورده و در جبهه‌ی امنیتی خورده و در جبهه‌ی سیاسی خورده و در جبهه‌ی نظامی خورده، متمرکز شده روی جبهه‌ی اقتصادی. من به شما عرض بکنم دشمن به توفیق الهی در این جبهه هم شکست خواهد خورد. همه‌ی تلاش خودشان را به کار می‌برند که در این جنگ پیروز بشوند؛ با ملت ایران با ترفند و فریب حرف می‌زنند. ببینید؛ یک عقب‌مانده‌ی ذهنی می‌آید در تلویزیون شرکت میکند، به ملت ایران خطاب میکند و میگوید پول شماها را دولت شما دارد میبرد در سوریه و عراق خرج میکند؛ واقعاً عقب‌مانده‌ی ذهنی است؛ اینها همان کسانی هستند که رئیسشان (۱۱) گفت که ما هفت تریلیون دلار در منطقه - یعنی در همین سوریه و عراق - خرج کردیم و چیزی گیرمان نیامد؛ راست هم میگوید؛ اینها به گفته‌ی خودشان هفت هزار میلیارد دلار در آنجا خرج کردند، تا امروز هیچ چیزی هم گیرشان نیامده؛ جمهوری اسلامی هیچ‌گونه [این کارها را نکرده]، اصلاً قابل مقایسه نیست! دولت سوریه و عراق دولتهای دوست ما هستند که از طرف آمریکا، از طرف سعودی، ثباتشان تهدید شد؛ ما به کمک اینها شتافتیم و توانستیم به اینها کمک کنیم؛ بعد از این هم کمک میکنیم، به هر دولت دوستی کمک میکنیم؛ بحث دادن پول و مانند اینها نیست، [بلکه] مبادلات بین دولتها است که می‌دهند، میگیرند،



میخرند، میفروشند؛ [اما] او این جوری حرف میزند برای اینکه ملت ایران را نسبت به مواضع نظام اسلامی و دولت جمهوری اسلامی دچار تردید کند.

خب، در جنگ اقتصادی هدف آمریکا ایجاد نارضایی است؛ هدفشان این است؛ میخواهند نارضایی ایجاد کنند بلکه بتوانند این نارضایی را به اغتشاش داخلی تبدیل کنند. من یک خبری را به شما بگویم - این تحلیل نیست، خبر است - قضایای دی ماه که یادتان هست؛ در دی ماه گذشته - مثلاً شش هفت ماه قبل از این - چند روز در چند شهر یک عده‌ای آمدند و شعار دادند و کارهایی مانند اینها کردند. دولت آمریکا به همراهی صهیونیست‌ها، به همراهی سعودی‌ها، سه سال یا چهار سال کار کرده بودند برای اینکه این قضایا را به وجود بیاورند؛ چقدر خرج کردند خدا میداند! سه سال، چهار سال کار کردند برای اینکه بتوانند چند روز در چند شهر کشور، دویست نفر، پانصد نفر، هزار نفر آدم را جمع کنند که یک شعاری بدهند. بعد هم ملت ایران وارد میدان شد، بدون اینکه کسی از ملت بخواهد - واقعاً خود ملت [آمدند]؛ من همان وقت هم گفتم؛ واقعاً آفرین بر این ملت - خودشان وارد میدان شدند، فضا را پاک کردند، آلودگی‌ها را تمام کردند، شکست دادند. چند سال زحمت کشیدن آنها را برای ایجاد آن حادثه، ملت ایران در ظرف چند روز از بین برد. بعد آنها گفتند که خب، این فلان عیبها را داشت، این عیبها را برطرف کنیم، سال آینده - یعنی سال ۹۷، یعنی امسال - دوباره همان حوادث را راه بیندازیم. رئیس‌جمهور آمریکا گفت شش ماه دیگر شما خبرهای مهمی از ایران خواهید شنید؛ آن شش ماه دیگر، همین مرداد بود، همین قضایای چند روز قبل از این مرداد که چند جا چند نفری جمع شدند یک شعاری دادند. دارند پول خرج میکنند، زحمت میکشند برای اینکه یک حادثه درست کنند، این جوری از آب درمی‌آید؛ ملت به هوش است، ملت با بصیرت است. بله، قضایای معیشت، مردم را فشار میدهد، خیلی‌ها هم اوقاتشان تلخ است، نارضی‌اند، اما زیر بار توطئه و خواست سیای آمریکا و فلان رژیم بدبخت روسیاه که ملت ایران نمی‌رود! دشمن ضعیف است، دشمن ناتوان است، دشمن شکست‌خورده است و مطمئناً در آینده هم دشمن در همه‌ی مراحل شکست خواهد خورد؛ به شرط اینکه من و شما بیدار باشیم، به شرط اینکه من و شما به وظایفمان عمل بکنیم، به شرط اینکه من و شما ناامید نشویم.

بعضی‌ها جوری حرف میزنند، جوری اقدام میکنند که به اسم اینکه میخواهیم اوضاع را درست کنیم یا مثلاً فرض کنید طرف‌دار ضعفا و مانند اینها [هستیم]، در نقشه‌ی دشمن کار میکنند، خودشان ملتفت نیستند. اینهایی که خطاب میکنند به دولت که بایستی دولت برکنار بشود و از این قبیل حرفها، اینها دارند در نقشه‌ی دشمن کار میکنند. نخیر، دولت باید با قوت سر کار بماند، کارها را باید این دولت انجام بدهد. رئیس‌جمهور، منتخب مردم است؛ مجلس هم منتخب مردم است؛ هم رئیس‌جمهور حق دارد، هم مجلس حق دارد، هر دو حقوقی دارند و تکالیفی دارند؛ تکالیف را باید انجام بدهند، حقوقشان و کرامتشان هم باید حفظ بشود. هم مجلس باید کرامت رئیس‌جمهور را حفظ بکند، هم رئیس‌جمهور باید کرامت مجلس را حفظ بکند؛ باید همدیگر را حفظ کنند، هم‌افزایی کنند. این جلسه‌ی عالی رؤسای سه قوه در زمینه‌ی مسائل اقتصاد و مسائل مهم کشور که ما اخیراً تشکیل دادیم، یکی از فوایدش باید این باشد که قوا هم‌افزایی کنند؛ بر یکدیگر و بر امکانات یکدیگر بیفزایند، همدیگر را تکمیل کنند. مردم هم با بصیرت [عمل کنند]. مردم هم بدانند چه کار میکنند، بدانند چه اقدامی میکنند، بدانند چه دارند میگویند و چه میخواهند.

و من مطمئنم که ان شاء الله دست قدرت الهی پشت این ملت است؛ همان‌طور که امام (رضوان الله علیه) به من گفتند - این را خود امام گفتند - من میبینم دست قدرتی را که بالای سر این ملت یا این نظام است، دارد حرکت میکند. دست قدرت خدا را امام (رضوان الله علیه) میدید، ما هم دست قدرت خدا را داریم می‌بینیم؛ و قدرت خدا



متجلی و متبلور است در قدرت مردم و ایمان مردم. امیدواریم که خدای متعال به همه‌ی شماها توفیق بدهد. من مجدداً از اینکه زحمت کشیدید، تشریف آوردید، تشکر میکنم و توفیق شما را از خدای متعال خواستارم.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

- ۱) سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۰۷: «و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم»
- ۲) سوره‌ی نساء، بخشی از آیه‌ی ۳۲: «... و از فضل خدا درخواست کنید...»
- ۳) برانگیختن تمایل یا انگیزه
- ۴) صحیفه‌ی سجّادیه، دعای پنجم
- ۵) همان
- ۶) سردادن شعار «مفسد اقتصادی اعدام باید گردد» از سوی گروهی از حضّار
- ۷) خنده‌ی معظّم‌له و حضّار
- ۸) خنده‌ی حضّار
- ۹) خنده‌ی حضّار
- ۱۰) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا)
- ۱۱) دونالد ترامپ (رئیس‌جمهور آمریکا)